

سیاست خوب اجرای بد

اینکه دولت می‌خواهد اموال خود را واگذار کند، به این جهت است که بودجه‌های عظیمی هر ساله خرج شرکت‌های دولتی می‌شود که اکثراً زیان‌ده هستند هرچند برخی می‌گویند واگذار کردن اینها موجب خصوصی‌سازی نمی‌شود بلکه قضیه را خصولتی می‌کند که ممکن است کار را دشوارتر کند ولی حداقل اثری که دارد که این است که هزینه‌های دولت را کم می‌کند و دولت می‌تواند بخشی از آن بودجه را مثلاً خرج آموزش و پرورش کند که به‌شدت به بودجه نیاز دارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، حسن بهشتی پور تحلیلگر مسائل بین‌الملل در یادداشتی نوشت: این روزها تغییر خیلی جدی در موضع‌گیری آمریکایی‌ها دیده نمی‌شود الا اینکه از یک طرف از طریق وزیر خارجه قطر برای مقامات ایرانی پیغام می‌فرستند و از طرف دیگر وزیر خارجه‌شان در مصر و اورشلیم کنفرانس مطبوعاتی تشکیل می‌دهد و لحن تهدیدآمیزی دارد.

درواقع ادامه همان سیاست چماق و هویج است که دارند تلاش می‌کنند از یکطرف به ایران بگویند ما آماده‌ایم که گفت‌وگو و مذاکره کنیم و مسائل را حل کنیم و از طرف دیگر هم خودشان را مستغنی از این مذاکرات نشان دهند در جایی مثل قاهره یا اورشلیم سیاست «همه گزینه‌ها روی میز است» را مطرح می‌کنند. در هر صورت به نظر می‌رسد این سیاست به جایی نمی‌رسد و قاعدتاً باید همچنان منتظر بود تا ببینیم آمریکایی‌ها از مجموعه نا‌آرامی‌ها نا‌امید می‌شوند یا نه؟ چون به نظر می‌رسد امید بسته بودند شاید از این طریق به نتیجه‌ای برسند و این فشارها موجب تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران شود.

به هر حال همچنان دارند همین سیاست چماق و هویج را ادامه می‌دهند. البته سفر آقای گروسی به تهران هم که قرار است چند روز آینده انجام شود، در این روند تأثیرگذار است که ببینم اگر به نتیجه برسد، می‌تواند فضای جدیدی را برای شروع مجدد گفت‌وگوها و مذاکرات باز کند. آقای گروسی به صراحت تأکید می‌کند که ایران برنامه‌ای برای ساخت سلاح هسته‌ای ندارد و حداقل اطلاعات آژانس این را می‌گوید اما بحث این است که سوالات باید پاسخ داده شود تا مساله باز شود چون همچنان به عنوان یک استخوان لای زخم باقی مانده و باید پاسخ این مساله به نحوی داده شود که برای آژانس قانع کننده باشد و آنها بتواند اعلام کنند پاسخ ایران به سه سوال باقی‌مانده را گرفتیم و آژانس قانع شده است.

اما ظاهراً این نظر در ایران قوی است که چون این اقدام سیاسی بوده و با سیاسی کاری چنین اتهاماتی علیه ایران مطرح شده باید از طریق سیاسی هم مساله را حل کرد که بعید به نظر می‌رسد. از این رو، بهترین کار این است که با آژانس به توافق برسیم و این مساله را با راهکاری حل کنیم. در عین حال دولت باید آنطور که قبلاً گفته بود با انجام یکسری اصلاحات اقتصادی کمک کند که اثربخشی تحریم‌ها کم شود ولی ظاهراً سیاست کم کردن خرج دولت از طریق واگذاری مراکز دولتی در پیش گرفته شده که خیلی راه‌گشا نیست و ممکن است موقتی التیامی ببخشد ولی ریشه دارتر این است که حداقل اصلاحات اساسی در اقتصاد کشور به ویژه در بانک‌ها، بیمه‌ها و نظام مالیاتی کشور که به‌شدت مورد نیاز است، صورت پذیرد تا تولید رونق بگیرد.

اینکه دولت می‌خواهد اموال خود را واگذار کند، به این جهت است که بودجه‌های عظیمی هر ساله خرج شرکت‌های دولتی می‌شود که اکثراً زیان‌ده هستند هرچند برخی می‌گویند واگذار کردن اینها موجب خصوصی‌سازی نمی‌شود بلکه قضیه را خصولتی می‌کند که ممکن است کار را دشوارتر کند ولی حداقل اثری که دارد که این است که هزینه‌های دولت را کم می‌کند و دولت می‌تواند بخشی از آن بودجه را مثلاً خرج آموزش و پرورش کند که به‌شدت به بودجه نیاز دارد.

در هر صورت این مثل یک شمشیر دو لبه است که می‌تواند خیلی خوب یا خیلی بد شود. خیلی سیاست‌های خوب بود که در اجرا کار را دشوارتر کرد مثل طرح هدفمندکردن یارانه‌ها که اصل آن خوب بود و گفته می‌شد به جای اینکه پول‌ها را به شرکت‌های نفت و گاز بدهیم مستقیم به خود مردم می‌دهیم تا به نرخ واقعی بخرند و بازار سیاه هم ایجاد نشود ولی در اجرا با مشکلاتی مواجهه شد. مثل این طرح که می‌گویند موجب کاهش هزینه‌های دولت می‌شود و دولت از شرکت‌های زیان‌ده و اموالی که روی دستش مانده، راحت می‌شود ولی باید دید در اجرا چه می‌شود و کدام اموال، به چه قیمتی و به چه کسانی واگذار می‌شود.

به هر حال حداقل این بود که در این شرایط اولویت را به جاهایی که خیلی مهم‌تر است و می‌تواند به بهتر شدن اوضاع اقتصاد کشور برای کمتر کردن اثر تحریم‌ها کمک کند اما به سمتی رفته‌اند که معلوم نیست نتیجه‌اش چه خواهد شد.